

- دموکراسی فارس
- مأموریت لیلا زانا
- احضار مدیر مسئول ماهنامه زیار
- دختران اتفاق شده گرد
- اسلام در قفس اتهام

پیام آرستان

- "یادی هینمن" نه تووسینگهدی کومه‌لی لاوانی شانا
- خونیندندوی سه زنه‌نونی قیلمه‌کانی قوبادی
- له خلاق و میندیا
- خالو قوریمان دو شدو له ماله بینه بیو
- دوز و کینشه‌ی کورdestan

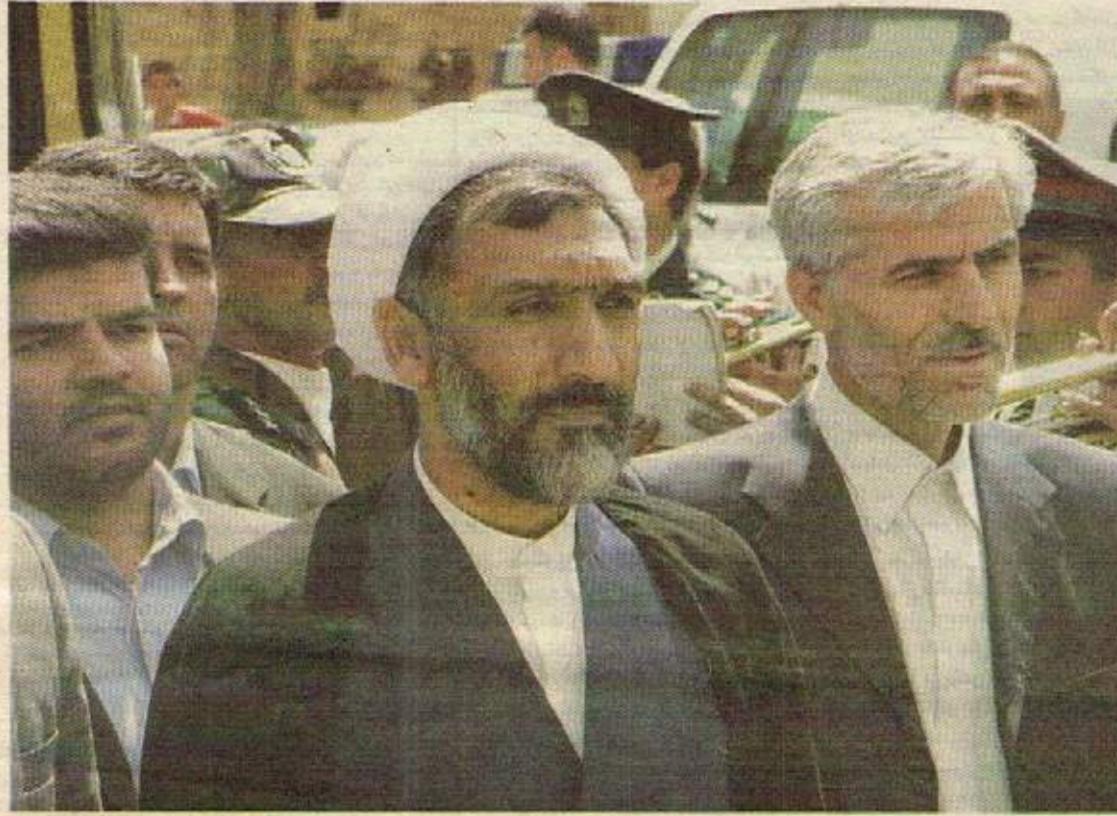
PAYAM-E-KURDESTAN/VOL.2 NO.27/SAT.6 May 2006

سال دوم - شماره بیست و هفتم - ۱۶ صفحه - قیمت ۱۵۰ تومان

شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۵ - ۸ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ - ۴۶

وزیر کشور در مهاباد:

نظام ملت کرد را دوست دارد



گروه سیاسی: دو شنبه ششم اردیبهشت
مصطفی پور محمدی (وزیر کشور) در
سالن طلایه مهاباد حضور یافت تا با
تمثیگان انتشار مختلف مردم و تبغیان
دیدار کند در استان فرمادار به سیان
مشکلات منطقه پرداخت و خواستار توجه
به آنها شد. عده‌های مطالب و خواسته‌های او
در صحبت‌های آن‌پرست و بلا ابیکر
محمدکریمی (ایله نایندگی از روحانیون)
هم تکرار شد، اما وزیر کشور هنگامی که
در جایگاه سفیرانی قرار گرفت، سدون
الشاره مستقیم به صحبت‌های به عمل آمده
انتهار داشت که جمهوری اسلامی همه
ملت ایران و به ویژه کرده را دوست
دارد، او را اذعان به وجود مشکلات متعدد
در منطقه آنها را مختص ایران دانست و
کفت: اینها به حالت طبیعی در همه دنیا
وجود دارد پور محمدی دستیاری به
ازری هسته‌ای و انتخابات در عراق و
فلسطین را پیروزی‌های پیزدگی پیوای ملت
ایران خواست که موستانشان در این
کشورها بر سر کار آمدند. وزیر کشور
با انتقاد از برخی شبکه‌های ماهواره‌ای که
او ضعع منطقه و انانم نشان می‌دادند، از
مردم کردستان خواست تا خود تصویری
کشند و رونق منطقه شوند. او از مردم
پیشراحت تا شکاری دعوهای پیشنهاد
کرد خواست تا شکاری دعوهای پیشنهاد
نمایندگی از آنها صحبت کرده و موجب
ایجاد تقدیر و دوستیگی در آزاد ملت گردند. وی تنوع قومی و
منشی ایران را مشتیت الهی خواست و گفت که مابه آن انتشار
من کنیم و آن را مایه سربسلندی و غنی کشور می‌دانیم.
پور محمدی در پایان گفت که دولت جدید به منظمه نگاه امنیتی
ندازد و فقط پایده‌های ضد امنیتی بخورد امنیتی می‌نماید.

ایران دارد این پاره مطالبات تکراری و آشنا به نظر
ترسید، اما در چند سفیرانی اولیه قبل از سفنتان پور محمدی،
عده مشکلات و مطالبات مردم منطقه بیان شد. سخنگان از
کمپوندهای بیان مشکلات در مقابل مسئولین حکومتی و
در خواست برای رسیدگی به آنها، به سنت تاریخی و کلیش‌ای و
البته ملال آور تبدیل شده که تدبیت حداقل به اندازه عمر دولت در
ایران گردد؟ ایا مگر خیر از یک مستور ساده اداری کار یک‌گزینی
دارد؟ لکنون که دولت جدید با شعار "عدالت" کار خود را شروع
کرده است، آیا امیدی به پیش‌نشین این خواسته‌های "عادلانه"
ست؟ پاتاً از اینها باشد. اما عمل‌آور و جلسه اینکه بیش نزد
مهاباد، حذف نگاه امنیتی، تأسیس کارخانه و... وزیر کشور اما
در سفیرانیش به جای اشاره مستقیم به این موضوعات، پیشنهاد
تறیع داده خواست و نیز مسائل امنیتی و مزای اخیر پویا
برخوردهای نظامی روزهای اخیر با گروه پ.ک.ک و شاخ
ایرانیش پیاک بود. روز قیلش هم وزیر کشور در جلسه
شورای تأمین غرب کشور در ارومیه شرکت کرده بود. در هر
این پرسش رسیده که اساساً چرا این مطالبات بوجود آمده و
چرا بعد از گذشت این همه سال هنوز روی زمین مانده‌اند؟

پیا اول

سازمان‌های غیردولتی و التهابات حوزه سیاسی

عبدالعزیز مولودی

دموکراسی، روندی تکامل یافته از نظر اجتماعی،
فرهنگی و سیاسی است و تکامل دموکراسی نیز مرهون
آزمون و خطا انسان در عرصه‌های نامحدود است و
الکوهای مختلف دموکراسی، روز به روز پرده از مشکلات
موجود در اندیشه و عمل دموکراتیک بر می‌دارد. جامعه
مدنی و نهادهای آن و به طور مشخص سازمان‌های
غیردولتی در این ووند شکل گرفته، تحول می‌شود و
توسعه می‌یابند. موضوع جامعه مدنی در کشور ما بیشتر از
یک دفعه نیاز دارد، به همین ملت نصیر عومن جامعه ما از
جامعه مدنی، صرفاً سیاسی بوده و به صورت عرضه مبارزه
قدرت احزاب یا جناب‌های سیاسی برای به دست آوردن
قدرت درگ می‌شود. در حالی که در جوامع دموکراتیک بخش
بزرگ جامعه مدنی را نهادهای غیرسیاسی تشکیل می‌دهند.
اصل پایه‌ای جامعه مدنی تکنک تقش‌ها و کارکردها است.
احزاب سیاسی با جناب‌های قدرت به دنبال سیاست‌ورزی و
رقابت بر سر قدرت‌اند در حالی که سازمان‌های غیردولتی
ذغاله قدرت را ندارند، در عین حال نسبت به تحولات جامعه
به سمت فضای مدنی توسعه و شرکت می‌نمایند.
حساسیت دارد. آنچه که بیشتر در اینجا مورد توجه است،
نحو تعلیم سازمان‌های غیردولتی و دولت در حال
گذار می‌باشد. حوزه‌ای از روابط که معمولاً پروچالش است.
معمولاً در جوامع در حال گذار، نوع نگاه حکومتها
سازمان‌های غیردولتی نه تنها مددکار دولت نیستند، بلکه به
مددکاری روابط که برقرار می‌کنند، جهت‌گیری
شدید کرده‌اند. حاسوسی و... پیدا می‌کنند.

در کشور ما نیز نوعاً این نگاه نسبت به سازمان‌های
غیردولتی وجود دارد این فشار مضافی را به سازمان‌های
غیردولتی نه تنها مددکاری می‌آورد و نگران نسبت به این‌ها
راجحی می‌سازد، چرا که از یک سو می‌تواند دیگر بحران‌ها
هزارهای سیاسی موجود دارد و از سوی دیگر سیاست‌گذاری
رایج است. این رایج سیاست موجده که سازمان‌های غیردولتی نه
بوجود آورده آن مستند نه تابیلی به استمرار آنها دارد.
معمولایه فشار روحانیتی بروانه مددکار غیردولتی تبدیل
می‌شود. پس عنوان مثال مجلس نایندگان آمریکا بود
چهارشنبه ششم اردیبهشت ماه با اکتبریت بالا (۳۱۷) را
در پرسنر ۲۱ رای افزایش تحریم‌ها رس عليه ایران را تصویب
کرد که هدف از آن حمایت از گذار به دموکراسی در ایران و
کنک و حمایت بیرونی‌های هوادار دموکراسی و حقوق بشر
مستقل در ایران اعلام شده است. قیلاً نیز گفت شده بود که
آمریکا مبالغی برای ترویج دموکراسی در ایران اختصاص
داده است. این صورت مسأله است. اما از جمله اولین
و اکنون‌ها باید رفتار آمریکا در داخل گذاری شدید بدبیشی
برخوردهای نظامی روزهای اخیر با گروه پ.ک.ک و شاخ
ایرانیش پیاک بود. روز قیلش هم وزیر کشور در جلسه
شورای تأمین غرب کشور در ارومیه شرکت کرده بود. در هر
محل مطرح شد که اگر چه سازمان‌های غیردولتی می‌توانند
مثبت باشند، اما تردیدهایی هم می‌توانند کشون در مورد آنها وجود دارد.
احتمالاً این اتفاکات با دلارهای فرضی آمریکا برای گسترش
دموکراسی بیرون می‌خواهد.

صرف نظر از دفاع از کیان و حضور سازمان‌های

غیردولتی، باید گفت که آنها نقشی بسیار جدی در گسترش

جامعه مدنی، توسعه اجتماعی و سیاسی و بالا بردن

مشارکت مدنی مغایط به اهداف پسرخواسته دارند. و باید

تاکید نمود که پرخلاف تجربه پیش‌خواسته از احزاب یا جناب‌های

سیاسی، هیچ‌گاه سازمان‌های غیردولتی علیه متابعه جامعه یا

امنتی می‌عمل نکرده و ایستاده باشند که اینها کمک

مالی دریافت نکرده‌اند. به نظر من رسد اینکه نقص های

نادرست نسبت به نقش سازمان‌های غیردولتی، ناشی از

ضعف رویکردی جدی در حوزه سیاسی و حتی اجتماعی

نسبت به گسترش جامعه مدنی و آثار و تاثیر ناشی از آن

باشد. امروزه سازمان‌های غیردولتی خلاق و

قابل انعطاف‌اند که مردم را به مشارکت و توسعه اجتماعی،

اقتصادی و حتی سیاسی رهمنمودند. آنها در جهان از

سوی دولت‌ها به رسیدن شناخته شده‌اند. برخی مقام

مشورتی شده‌اند امید آنکه در گذار میان زمینه مشاورکت مدنی،

رسیده اجتماعی و یادداشت‌گذاری افراد توسعه در ابعاد

مختلف (سازمان‌های غیردولتی آنها موقع به دریافت مقام

رسیده اجتماعی و یادداشت‌گذاری افراد موقنی بحران‌های

زودگذر سیاسی در این ماده و شبکه در اصل وجودی آنها

مزخر در آن است.

شممال شینی کورده



کوتله‌کاغه‌زه کانی

بهندیخانه

دوپاتی خه‌باتی روزنامه‌وانی

هشتكان

بزوونته‌وهی کریکاری و

عده‌دالله‌تی نیرانی

مانگی مهی و کوینره‌وهی

کووره‌خانه

آینده روابط نوگرد

دوزبانگی و مسائل آن

در ایران

زیو پوست شهر

روز معلم در گذر

تاریخ معاصر

خانمیت پایان تکفیر

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

روز معلم در گذر تاریخ معاصر

احمد احمدیان

فراموش نکند که معلمان هرگاه پس از تقدیر برداخته‌اند، هدف‌شان خدمت بوده است. معلم اگر معیشت‌شش تأثیر نماید و بر زیر خط قرار گیرد، نگرانشته شود (که نگذاشت شده است). باز هم نشی تواندست است از تقدیر و تقدیم و اندیشه ورزشی

بردارد. متأسفانه امروز دست‌هایی در کار است که می‌خواهد معلمان را از من بخاشی برآورده است.

زیرا که می‌دانند یکی از قشرهایی که می‌تواند تقدیر اندیشه و اندیشه سیاسی داشته باشد و با خودرویی و عقلانیت، برای سرونشست و آینده این سرزمین مفید، بلکه تحول آفرین باشد، معلم است و این به خاشیه زاندن از طرق تذلل دو به رشد مقام معلم و اقول و انحطاط جایگاه و متوات روقارو شان معلم -جهه از حیث مادی و میبینی و چه از حیث پایگاه اجتماعی- کاملاً مشهد و ملوس است. اگر معلمین شریف ما از فرط آغیش یافته ولی چه این وضعیت -پس از این مکالمه- دوام نیافتد؟ به خاطر اینکه مناسب است روز معلم و تیزه‌ی مجلس، به معلمان اطلاع داده شده که از معلم و نامکاری روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۰ به

نام روز معلم تها به سبب استفاده ایزرا و شاعرگوئه از نامکاری در جهت گشودن

مسنوان تایلی برای کار از بحرا ن به وجود آمده بود.

بن. و مشخص بود که تنها نامکاری یک روز به



شام روز معلم و پس از این میمهانی شور و این میمهانی خود بین تفاوت باشد. مظلومانی غلام پیغمور به حساب می‌آید که همان روز از هر ۱۰۰ معلم اول و خواهد بسود و الزاماً انحطاط پیش‌ورده‌ای را برای نظم تعلیم و تربیت کشور نیز باید بین بین کرد و لاجرم فرزندان ما آینده‌سازان این دنیا، این‌واردی و شرافتمندی سکوت معنادار را که مخصوص است از کار کشید. در جریان اولین اعتضاب خانلعل العکسان

که معلمان اعتضاب کنند به صورت غیرلایم رسیده

و یا حیف و مول شده بود و دولت با کسر

پرداخته‌است.

میان خود تعایین‌کاری انتخاب کرده و پس از آن می‌باشد. در آستانه ورشکسکیه میان ۵۶۷ میلیون

درخشش که گفته می‌شود کارگردان تئاترات

معلمین در آمد حاصل از نفت، پس از امضا

برای اراده

قرارداد کسررسیم به محابا غیرلایم رسیده

نمایشگاه هفتم اردیبهشت با حاضر فرماندار، امام

جمهوری شهروند، رئیس شورای شهر، رئیس آموزش و پرورش و سایر مسئولین شهر انتخاب شد. گفایت برگزاری و

نمایشگاه میان ۱۳۳۹ سال، رژیم کودتا

به علیه ناشی از غارت داری مملکت و

تاریخی آغاز گشت و چه تأثیراتی از خود بر جای

گذاشت؟

آن‌ها را از این میمهانی خانلعلی از طرف میان

تاریخی آغاز گشت و چه تأثیراتی از خود بر جای

گذاشت؟

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

شهرداری شهروندان مهاباد شاهد برگزاری مجموعه آثار

هرگز از میان این نامکاری کارگردان آن در موقعیت

خطروانی قرار گرفته بود که که میان ۵۶۷ میلیون

دلاری استفاده

معلمین در آمد حاصل از نفت، پس از امضای

قرارداد کسررسیم به محابا غیرلایم رسیده

نمایشگاه هفتم اردیبهشت با حاضر فرماندار، امام

جمهوری شهروند، رئیس شورای شهر، رئیس آموزش و

پرداخته‌است. هفتم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پرداخته‌است. هجدهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پرداخته‌است. هجدهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پرداخته‌است.

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

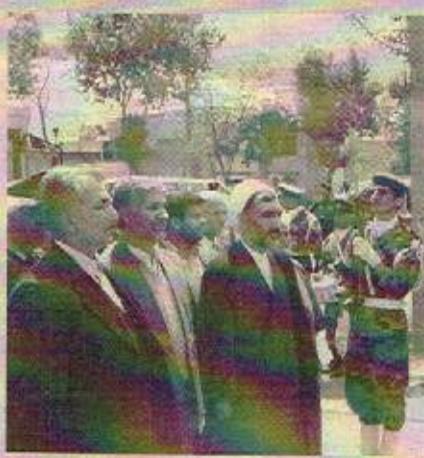
پیمان کردستان، هفتم تا دهم اردیبهشت ماه سال جاری سال

پیمان کردستان، هفتم تا دهم ا

وزیر کشور در مہاہیاد:

نظام ملت کرد را دوست دارد

←



هر چند دولت جدید تعریف جامع و موسوع از مفهوم
ت ازان نداده، اما به نظر می‌رسد که بیشتر متوجه آن،
ج مناسب و مساوی منابع و امکانات کشود بر
گیری مشخص و مثبت به نفع مناطق کمتر پرخوردار و
ار آسیب‌پذیر است. البته در این زمینه هم سوابقات
نمی‌وجود ندارد. چرا که آنکه که شواهد و قوانین نشان
دهد، متوجه دولت در این رابطه نیست. با این‌سرین در آمد
نه شهر و ندان از طریق برگزاری زیبایی علمی و روشنمند
الاقتصادی (توسعه اشتغالی) بلکه از طریق اجرای
نه سیاست‌های تودهایی به هدف ایقای نقش مثبت و
کلیم دولت در وزنگی روزمره مردم است.

صد ایله اکر درمی هم منتظر باشد ساز و کار اجرای
بنان مشخص نیست، و یا حاصل در کردستان
ساختهای لازم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... برای
جود ندارد. چه اگر قرات اول یعنی توسعه اقتصادی را
بینم، درمی بایسم که این مهم بدون اهتمام به توسعه
زن و توجه به تمدن ایجاد آن (توسعه سیاسی، فرهنگی
مکن خواهد بود.

همان گونه که تجربه دولت‌های قبل هم این مهم را نداشته است. برای مثال توجه به توسعه سیاستی در این سیاست، به طور حتم با چالش‌های قومی و ضرورت برخورد و سیاستی و نهادنیتی - با آن پیوند می‌باشد. اما اگر این را در مورد مفهوم عدالت بحالت کل آن - از اینجا

برداشت و میزان سهمهای ملکیت این کارخانه همچنان که توزیع عادلانه شروط ننمی تواند از توزیع عادلانه و معترضت جدا نباشد ایا اگر سهمهای این کارخانه از قدرت کوچک به صورت نبود، اصلًا سوالاتی به نام "موکریان" و "محدودسازی مهاباپ" وجود نمی آمد؟

پرواضح است که تنها در حل این مسئله هم تحول در
خط قدرت هم از طریق تغیر در قوانین اصلی کشور و هم
دسازوکارهای حقیقی و حقوقی مناسب برای اداره
نه توسط نخبگان و شایستگان کرد است، و این میسر
شود تا بگاه امنیتی به قویت های نگاه علمی تدبیل
و در این زمینه به عنوان مثال یکی از چلوهای
لت خواهی دولت جدید توجه پیشتر به مناطق پیرامونی،
اد سفرهای استانی و نیز پرسخن دسازوکارهای
که دادن، افراحت اختیارات استانی ها است.

پر واضح است که اجرای این سیاست غیر غم‌جنگی‌های
ن در سایر نقاط کشور، در استان آذربایجان غربی
و اندیمه پاشنه آشیل آن تبدیل شود. چرا دن این استان،
لیل وجود ساختار خاص و کاست بسته قدرت و غلبه
امتنی که باعث رزونانس و تشدید تکاه امنیتی مرکز هم
شود، عملأ جمعیت ۵۰ درصدی کرد آن به حاشیه رانده

و دچار نوعی نیمهیض مصافت شدند.
افزایش تراکم و اختیارات جنین اند تان هایی که
مشکلات متعدد سیاسی، روانی، تاریخی و... دارند، بدون
پیشگیری در ساختار تقسیمات کشوری معیوب گذاشتند.
بگرهمی از مشکلات باز نیعنی کند، بلکه ممکن است بـ
یش آنها هم پیانجامد. به صورت خلیلی کوتاه می توان

کی از آنها که خود را دانشجوی سال اول عمران شگاہ آزاد مهندسی سرگرم کرد بعد از اطلاع از

یکی از دوستان وی که خود را دبیر فیزیک
عرفی کرد، سعی داشت با ادبیات منضوعی و
کادمیک سخن بگوید. گفت: «ریخت و عملکرد دولت
هم مرخلاف روند دولت اصلاحات و پرخلاف رویه
برگزنشیان دولت های خاور میانه است. در تقریب این و
برگزنشیان های باید از تعلولات عراق درس مکنند و
گز بر قوی تقطیع قدرت از نوع مدل فدرالی را تقویل
دارند. حداقل در حکومت خود مقداری پایلوں آلو و
شتر پیده رایتیته مکنند از کرهای عربها و
آفریقایی ها و لرها هم در جواز ترکها و فارس ها
ستفاده کنند و وحدت ملی چیز با مشارکت همه اقوام
پسر نمی شود و درجه امنیت هم تأسیس از درجه
رسانیده یافته ای است. من تعبیر مکنم وقتی
کوئلین ارشد استان و کشور اعلام می کنند که
استان های کردنشین از امنیت بالایی برخوردارند
من چرا بولت اتفاق هم مسر مایه گذاری کلان نمی کند
با مشخص خصوصی هم اطمینان و اعتماد حاصل کند
بر سر املاک های سخن خصوصی رسیده کردستان
مزاریزی شود. استان های دیگر که قسمیه یافته
جنس می شوند پیشتر دولت سرمایه گذاری
کرد. این افزوده کرده و یا هر قوم دیگری اکثر
حصان اس کنند علیرغم مشارکت در انتخابات و دادن
مرتبه برای انتقال، به آنها کم توجهی یا سوچیهی
می شود و اکتشن مردم چیزی جز تعلیم به صدای های
برون و تأثیر نیزی گرفتار از مرکز نمیست.

مرد می اسانی که خود را دبیر بازنشسته
عرفی کرد. گفت: ما استان و مختصه ای زیادی

از زیرین که بتوان مدیریت شهرستان و استان های
کشور را برای آنها سپرد. وی ادامه داد مزای
حق تراجم به شعور و توانایی های تکریلها از لازم است
بر مادرانه ای همه شهرهای کردنشین به مدیران بومی
اگذار شود، زیرا آنها مشکلات و تکنالوژی های
اهمچهارهار خوبی بخوبی می شناسند و جدا از عنصر
مشتقات، دلسوزی و احساس تعطیل آنها به این منطقه
بتوثیر محکر که آنهاست. وی گفت عذر هزاری و
قدقه کشانی و رابطه سالاری در پی عرضی مدیران
بجوس مانع از عملکرد مطلوب آنها بوده است. وی
می برسد اما گفتن موردنی احجازه خواست و گفت که
آنکه اضطرای شواره اها به عنوان مدیران بومی که
آنکه نظارت سر عملکرد شهرداری و ادارات دیگر
از اداره اند اما برای حضور در جلسات مبالغ خوبی
که از خود در نظر گرفته اند و به همین خاطر برای
بخصوص عوای رساده و کمارزش جلسه های مکرر و
که حاصل نشکنیل می بندند و اغلب بدون ارائه راهکار
و تحقیق در جلسات حاضر می شوند و پیشنهادات
یک گیگان راهم می نام خود مطرح می کنند و این
برخلاف ادعاهای آنها هنگام تبلیغات است که ادعای
خدمت به مردم می کردند. چرا که آنها حضور در
وزیر ای این عنوان یک شغل و یک کاربین
نیان و آبدار تلقی کردند و همکنون هم خیلی ها
با مشکل ایجاد نمودند و این امر - گفتند

رآی مردم را سگزد و به این منصب بررسید آینهای
عفتم مردم را دانست بـے نیروها و مدیریت های
پوش از میعنی من پرداز و جایگاه نشیکان کرد را الوٹ
کردند و اروشن آنها را پایسین می آورد در حالی که
برادری شهربانی فرهنگی سیاسی متن شهاباد
تجزیه سفر و تمهیلات و تخصص اعضاي
شورها و شایاندگان آنها در مجلس شباباد از دکتر ا
وقوف یستانس با ساخته مدیریت اجرایی سلاکتر
پیاشد و معتقد بودند که شرایط ساخته تری برای
اعضویت در نهادهای انتخابی و وضع گفتد مرد
میانسالانی که در آن جویان میگذارند بود خود را وارد
پخت کرد و گات که در اسلامی و سفارش کردند
اافت مدیریت در گذشته می است و یخدت فساد اداری
بر سلطی سوسی و عید و سوی شزاره و نیروهاي
نگذشت به هم اگر اهل این کار باشند به تو زی و دامنه

یو پوسٹ شہر

نمازی از دندانهای مردم کوچه و خیابان

بیانی

طرح‌ها و
اصلله، در
شخصی و
ازنده، و از
وادو
ک شیوه
س معلوم
و اکثریت
ب افرادی
ز عذر نظر
که بدلون

ل اصحاب
نم دخالت
نامن

لین الفرد و
ست. ولی اور
گفت کہ
ستلر
کے بدون
بیان میں
انتخابی
وی بے
الہیان گفت
ب شہر پر
سامنی گئند
غفاریون و
ادش آمد
دیکھ اور
قیلاں اور
عسالی و از
ظرف مرد
زمہنیز

الم و
من ذاته و
يت علمي و
من شادرد و
حلی گرایی و
رس گرسی و
ساید س
مادر سور
و شوراها
ن پسته
سید البت
هم در میان
ک در ادار
من عتی

حدود ۱۰ ماه از شروع پی کار دولت نهم و
کابینه محمود احمدی نژاد می‌گذرد و در این مدت
حله میریت کلان کثیر تغییرات بسیاری به خود
بریده است. اما نخیلکان کرد کمالی سابق پیشتر
در روزهای کابینه مانده و حتی بعضی از مناصب و
مديريت‌های استانی و شهرستانی هم به کار گرفته
نشده‌اند. در ۲۷ سال گذشته نه تنها در مناصب
و وزارت، سفراخانه، معاونت وزیری و... از کوچکها
استناده نشده‌اند بلکه به قیمت موادی آن هم در دو
مقفع حساس - به استانداری هم منصوب نشده‌اند.
در اوایل انقلاب در مقاطعه کوتاهی مکثر ابراهیم
پوشی به استانداری استان کردستان منصوب و
دکتر عوضیان زاده در دولت اول اصلاحات به همان
پست منصوب گردید.

مدیریت های شهرستانی به دست چه تبر
شایستگان کرده ای سپاهار و ساتردهی زبان و
آمیزیات کردی در مدارس و اجرای اصل ۱۵ قانون
من افکر کم جمعیت حاضر در بحث این
اساسی موافق نکند او که در جریان کار در کارگاه
تجاری را انکشت خود را از دست داده بود با
جز از افراد: با شعار نمی شود به وحدت رسیده
دردم را از حقوق سلم خود محروم کرد.
همه مستولین سالهای است نکار می کنند که ما
نه برادریم ولی به برادران گرد و مرزنشین های
کشور که اتفاقاً همکی سنتی مذهب هم هستند
حال سوال این است که در وقت عدالت و
مهربانی چیزی که قویت ها بوریه کرده کجاست?
و این عدم استفاده از کرده ای در مدیریت های کلان و
حتی میانی چه عمل و عواقبی دارد؟ کاریزمه و
عملکرد میروها و اندک مدیران یعنی موافق که در
پست های چون معاونت استانداری، فرمانداری و
ادارات کل پورند در استانهای کردنشین آذربایجان
خوش، کردستان، ایلام، کرمانشاه چگونه بود؟
مردم و مستخدمین مردم در این عزل و نصبها چه
تأثیر و نقشی دارد؟ مردم چه می گویند؟

اینها مهاباد است. بعد از پیروزی روز بهرار، از دفتر روزنامه پیام کردستان پیدا و نام میدان استقلال (فک ساعت) و آنچه جمعیت عدنا مهاجر و سنتی و پاره و های تنگ و کم عرض مثل هده خیابان های مهاباد به سختی سیل جمعیت را از خود غصیر می دهد. مثل موریکی می مانتد که کار سیاهگر را بایه او سپهارد، فشارش باشند و اعصاب نازارم است ساعت سیز رگ این میدان هم

خود حکایتی دارد. چرا که به جای حسنه هرند
محمد مامعلی و متوجه نام آور کرد - محمد قاضی.
آنها نشسته است تا به زبان من زبانی روایتکر این
واقعیت تلخ باشد که برای مستویلین ما انسانه و
اجسام از هرمندان و اهل قلم ارزشمندترند.
عقربه های این ساعت شبانه روز شاهد نگاههای
نگران و نفس های سه شمارش افتاده این مردمان
درینهند برای یافتن نان روزانه است و این ساعت
سفید لحظات خاکستری آنها را من شمارد و
تصاویر آنها به حافظه تاریخ من سپهار. شاید این
امم ... تاریخ علم اسلامیه ... همان شاهد داشته

ان میان اتفاقه دست‌فروش و خردمند‌ها
می‌گذرد. وارد حلقه بعثت چند نفر جوان و میانسال

می شود. معاذ مرغ خود و طرح موضوع کزارش، یکی از آنها که خود را سیاستمند نمایند و پیکار معرفی کرد با اشتباخت گفت: ترکه آقای خاتم عالی ترین مستولی بود که در سنتج به سهم اندک کرده اند در مدیریت گذشتور اغراق کرد و آنها را ایرانی ترقی ایرانی خواهند اماده دند. ۸ سال تکه وی بر مبنای قوه مجرمه اعتقاد عملی به این شعار نشان دارد و به جز چند همانداری و یک مرور استانداری از تحقیکان کرد در مدیریت میان استانداره نشده، وی به فشارها و تکنونظری چنانچه و مراکز پیرون از دولت اشاره کرد و افزونه اما در دولت احمدی نژاد ما پسیار تأمینهای به رویه و حرکت دولت نگاه می کنیم چرا که تنها در مدیریت های بالاتر از گروهها استقاده نشده بلکه شاهد بزمی زدایی و عزال مدیریات و فرماداران و مدیران کل بسویی کرد هستیم. این رویه با اختراض فراکسیون شایاندگان کرد مخصوص هسته کنندگان گسلی من دارتم، تحریکرگان کرد هم باید برای بیدار آنها به وزارت خانه ها و استانداری ها رسوب و تضکان کرد نهایتاً در داشتگاه های آزاد یا پایام نور به صورت حق التدریس به تدریس مشغول خواهد شد وی با جدیت پیشتر سوال کرد که شم دام رمز عبور از این بیانها چیست؟ تفسیر من جوان چیست که در کردستان به دنبال آدمد؟ چه کتاب و کردستان هستم اخیراً گفت است نکاه دولت نهم ب کرد های شدت امنیتی است. در این میان جوان دیگری که خود را عاکس و معازه دار معرفی کرد ابتداء از رویه انتقادی و عدم واسطگی پیام کرد معرفی کرد و سپس از ورزشمن معتقد نکاه

نحو خاتمه غیر امنیتی بر از مسایل روز سایی جمهور
قبل و بعد از خود بوده است. ولی هرگز و
شخصیت‌های ذی مقنون خارج از دولت، وی را
محبوب گردیده باز کردها فقط در پست‌ها و مناصب
پایین و میانی استفاده نمایند. او تاکید کرد که هیچ
وقت کردهای اول و دوی ایامه مخواهد گردید و وزراء هم
چون امنیتی و ایدئولوژیک به قدری حضور گردید
نهاد می‌گذشت از آنها عوام معاون و مشاور هم
استفاده نمی‌گذاشت.

خدماتی صادر کرده در حالی که وجود نداشته اند اما با آن پروانه های صدھاً ت میلار دهداریاں تسهیلات گرفته اند از این کرد و بعده طرف چهارراه آزادی به راه آمد است. در پایان سفارشات و فشارهای برنامه هستند و در برای رسیدن لطفاً از گذشت به حال مستقم و غیر مستقم نهادها و راگهای این مقامات یا کم مقامات هستند و عنصر اطاعت و سازش در آنها بسیار زیاد است. جوان یا تناسبی سدیر است. رشت بحث رازی کرفت و با تأکید گفت البته در کشور ما از این حفظ امتنی شغلی هم کارمندان حق رده های یابین هم مجبور به اطاعت و سازش و حتی رو باری گرفن مستند و خودشان نیستند و میتوان میانی هم از این اسبی مصون نمی باشند و این هم مغول ملتهاتی بیکاری است. مثلاً نایابدگان هم در مطلب در شهه های کوچک به جای وضع عکس با بخشیدن پرستارهای از اینها از دست رفته اند. با اینکه پرسیدم لطفاً از گذشت به حال پس این و درباره انتظارات از دولت فعلی صحت گذید. جوان دیگری که خود را اعانتجوی اتصالی حقوق و کافی است دار معرفی کرد. با کمی مکث و نگاه به دوستانش خاطرنشان کرد و اقمعیت این است که رئیس جمهور فعلی راجع به استقدام از کزرهای قومیت های این اطباء متری تکرده و فقری نداده اند و اینسان و خان اصولگران و لیف آبادگران که متعلق به اردوگاه و است. هستند تشان داده اند که نگاه آنان به کرد ها و کورستان همان نگاه امیتی و دیدگاه دهنده اند. این اتفاقات است. بعد از اینکه گفت کم که دعا

دختران افغان شده کرد



(۳) مترجم: زندگانی پادع. ع. ناکام
مهاباد فرهادی

آینده روابط ترک - کرد

مناظره‌ای با حضور دکتر خالد صالح و منصور آکون

(۱)

ترجمه از انگلیسی: مولود خواه‌هزار

می‌باشد. یک نوع دیگر گوئی که شبیه دیگر گوئی‌های اعصابی جدید اتحادیه اروپا و آفریقای جنوبی پس از آیار تابستانی می‌باشد. نه اینکه شبیه دیگر گوئی‌های پس از گمرنیسم روییه باشد بدین معنی که نوع انتقال مشروطه و قانونی و سازمانی (نهادی) و ذهنی (انتقلاب در اسلامیک و نمایشی) باشد، مذاکرات با اتحادیه اروپا فرموده طلایی و ابرای دیگر گوئی‌های فوری ترکیه فرام خواهد ساخت.

در رابطه با مشکل ترکها با کردها؛ ترکیه باید پروژه دموکراتیک را در طور وسیع گسترش دهد، به طوری که کردها را م در برگیرد. یک نوع تعریف‌گذاری و غیرمترکز بودن برای ترکیه به معنی ضعف و نقص نیست؛ در بیان و ایجاد هم‌اتمامهای دموکراتیک را باید انتقادی او با روشنگری در استانی‌های می‌باشد و متصلاً به سازوکارها و مکاتیسمهای مشارکت محلي اروپا مستند واقع به تقویت و ترقی کشور کرد کرده‌اند.

بازشناسی و شناخت (رسمنی) کردها می‌تواند به عنوان نماد قدرت دیده شود. این مسئله با گرایش و مجذب شدن به الکتری دلت لیبرال دموکرات‌که بر اساس داشتن شهرور ازاد و دموکراتیک که بر ازدواجها و مانع جامعه سهیم است، آسانتر است. توافقات و برname‌های منظمه که در افغانستان تفاهم‌های اسلامی، ولز و آرمانهای ملی ایران را برآوردند. مکنند می‌توانند برای ترکیه الکترونیک و مانع اینها بخشن باشد. یا چرا ترکیه دوcean پس از هلسنیک به دولت چندین ساله و چندملیتی که بر اساس حق خود گردانی می‌نمایند و مناطق مختلف پایه‌بریزی شده باشد، تبدیل نشود؟ آیا چنان چیزی به ترکیه جهت ساختن جامعه‌ای تکثیرگار، عامل و نارای وحدت و یکپارچگی و عدم تبعیض که در پیش‌نویس و طرح قانون اساسی اروپا نوشته شده است که کنک؟

منصور آکون: من از اینکه توانستم گفت هایم را به شما تقدیم کنم ناراحت، منظوم از این بحث ایران و انتقاد از تفسیر و تعبیر تان از تاریخ نیست، ممکن است در مقایسه ترکیه با هدف حق با شما باشد.

علوم اجتماعی به مانشان می‌دهد که رفع احتلالات و رویدادهای عظیم، در واقع؛ انتخاب برای طبقه‌بندی و جمع‌بندی می‌باشد. کسانی که همیشه دنبال دلیل و بهانه‌ای برای مقایسه هستند می‌خواهند نظریه خود را توجیه نمایند و به اثبات رسانند. ادیسات مایل از تأویل‌های سیاسی ویژه‌ای می‌باشد که به هیچ جا ختم نمی‌شود، و صرفاً گفتگان ناسیونالیستی را تقویت می‌کند.

مانطور که قیلاً پیشنهاد کرد، اجازه بدیده ب آن سری تاریخ پریم و راجع به مکلفات فعل بحث کیم، هر چند من به انداده‌ی شما لیبرال نیستم ولی در مورد اینکه ترکیه بدون شک باید عوض شود و تغییر گذنند موافقنم. دموکراسی در ترکیه داشتن غرفت انتقاد بیشتری را می‌خواهد تا به هدف بررسی محرک چنین تغییری تقریباً به فداکاری و قربانی دادن پیش‌تری از جانب کرده‌اند. روش‌گران کرد: که شما هم چنین آن هستید، پایس-آنستی آمادگی بذیرفت خودمنطقی نموده از ترکیه در محدوده مرزهای موجود را داشتند. اینکه داشتن شکل از اشکال تروریسم را می‌خواهد.

اشارة: منصور آکون مدیر برنامه‌های سیاست خارجی TESEV و مؤسس مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه می‌باشد او در دانشگاه‌های تکنیکی و فن اورقی هاره‌مات و اسلو تحصیل کرده و به عنوان استاد در دانشگاه‌های مارکسا و کولورا کار کرده است و با روزنامه‌های یعنی یوزی و پرسپن و فینانس فوریت‌های کرد است. او به طور گسترده در ارشاد با سیاست خارجی ترکیه مباحثت و مطالعه را نوشته است. وی هم‌اکنون از جمله استادان علوم سیاسی دانشگاه کولورا در استانی‌های می‌باشد و برای روزنامه زرفا انس مقاله می‌نویسد.

خالد صالح: مطالعات اقتصادی و سیاست اسلامی و نویسنده کتاب «متاسازی و فلسفه اسلامی» در عراق ۱۹۵۱-۱۹۵۲ را منتشر کرده است. آنچه

روزیونه هم‌اکنون از اینکه داشتند شکل انتقالی او با روشنگری کوچک در استانی‌های می‌باشد.

استادی ایشان در مطالعات اقتصادی و اجتماعی

مطرح کردم باید بگویم که این مقایسه در اصل بر

متداول می‌باشد اگر شما تایپ مذاکرات فعلی اساس فرق و تباين آشکار و واضح بین هند و

ترکیه بر حسب این‌نحوه بازگشته باشند

بین اینچمن بازارگان و کارگران داران را ایشان

پروردید و نیز در اینجا کتاب «متاسازی و فلسفه اسلامی» در عراق ۱۹۵۱-۱۹۵۲ را منتشر کرده است. آنچه

می‌باشد دیگر اینکه بسیاری از اینها را بازگشته باشند

کند است. هر چند که سایه نظام چندجایی در

این‌کشور از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

برای شروع سخت باید بگوییم که حرکت

ترکیه در مقایسه با کشورهای همانند ایشان

اعتسادی اروپا از سیاست است. اما این‌نحوه داشت

سیاست دیکتاتوری به لیبرال دموکراسی بسیار

کند است. هر چند که سایه نظام چندجایی در

این‌کشور از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داشت است.

انقلام و آزار در مقابل رفتار سازه برضه داشت. هر چند هر نوع مذاکره و گفتگو و توصیف

و تحلیل و توصیه و رهبری در مورد ترکیه

ماید سیار روش و دقتی را باشند تا بنوان آن را

بطور گفتم از اینه نداده باشد.

پس از خلیل از کشورهای سایه‌گذاری است.

و زن در آن فرهنگ عشیری سلاح شرف محسوب و

کارایی بزرگی در کشت و بسیار نمودن داش

اسلام در قفس آنها

(۲۵)

ترجمه از موبایل: دکتر احمد صدرالدین

نویسنده: نویل ابراهیم

ادامه جلسه ششم

خبرچین‌های محمد (ص)

دزدگویی خود را در مورد

مسجد‌ها تفسیر می‌کند که چون ایوجهل و قریش

از او درباره دلیل اثبات اسراء و معراج پرسیدند؟ پیامبر خدا

بر پشت دارد. که در آغاز طول خورشید پیش شما می‌آیند

که - سیدرون رفته و در آنجاشستند و منتظر ماندند تا

خورشید طلوع کند و آن کاه سخن پیامبر خدا را دروغ

پنداشتند، یکی از آنان گفت: طلوع خورشید آغاز شد یکی

جذب از قریش گفت: بد خدا سوکند اینکه شتران ماک در

پیشاپیش آنان شتری خاکستری است رسیدند چنانکه او

گلت است. پیامبر این در تفسیر این رویداد یا خبر راه

رسنگاری را تبیه می‌کند و گفت: به راستی این جادوی

اشکاری است. میکولویس و پیدوان او پیش‌آمد های زید را

چکونه تفسیر می‌کند؟

۲- پسر از غزوه بدر عمر بن وه جمعه با صفوان بن

امیه در تزدیک کعبه نشست. عمر بری شیطان صفت

پید و پیامبر و پیاران او را سخت می‌آورد و در این هنگام

پیش از سیر مسلمانان بود، صفوان گفت: پسر از آنها که

از جنگ پدر به مادری است زندگی سودی ندارد.

عمر گفت: راست گفت! اگر دین تو بر من نمی‌سود و افراد خانواده نمی‌رسیدم که ضایع شوند، بر شتری

سوار می‌شدم و به سوی محمد می‌شافتند تا اورا بکشم

صفوان گفت: من ان طلبکاری خود کشتم، افراد خانواده

تو با افراد خانواده من یکسان باشند و سریرست همه را در

جههه می‌گیرد، تو به میده بشتاب.

عمر چنانکه طبری می‌گوید - شمشیری را ساخت تر

من کند و آن را زهر اکین می‌سازد و رویه عمر بن

او اور پیامبر خدا (ص) به عمر بن خطاب مستور می‌دهد

تاعیر را به خدمت او بسیار، عمر حمایل شمشیر داد

می‌گردید و به مردم اهانت می‌کرد، سیفون گفت: پسر از آنها که

از جنگ پدر به مادری است زندگی سودی ندارد.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: راست گفت! اگر دین تو بر من نمی‌سود و افراد خانواده نمی‌رسیدم که ضایع شوند، بر شتری

سوار می‌شدم و به سوی محمد می‌شافتند تا اورا بکشم

صفوان گفت: من ان طلبکاری خود کشتم، افراد خانواده

تو با افراد خانواده من یکسان باشند و سریرست همه را در

جههه می‌گیرد، تو به میده بشتاب.

عمر چنانکه طبری می‌گوید - شمشیری را ساخت تر

یا زان تکلیف اعلان می‌نماید، همچنانکه شتران در

حوزه نقد و نقادی پسر چشم و پیروزی می‌شود، بر شتری

پیش از سایر اتفاقات اینکه شتران می‌شود و روش

پیش از آنها که این چنین می‌گردید: پسر از آنها که

از جنگ پدر به مادری است زندگی سودی ندارد.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من جز برای همین کار نیامدم، پیامبر (ص)

کات: بلکه تو و صفوان نشستی داشتند و در میان شما چنین

و جناب گشت.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به حال خود بگذرانید، سپس خطاب به عمر فرمود: ای

عمر! به من تزدیک شو، برای چه آمده‌ای؟ گفت: من برای این

اسیر - پسرش - آدم، پیامبر خدا (ص) پرسید: آیا راست

می‌گویند؟

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من جز برای همین کار نیامدم، پیامبر (ص)

کات: بلکه تو و صفوان نشستی داشتند و در میان شما چنین

و جناب گشت.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گزین کن که تو از این مذکور

حاشا که ام از قتل عادله گزار و عمل کارگردگار و

هماهنگ با این حرف یعنی در حق مذکور می‌گردید.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گزین کن که تو از این مذکور

مذکور می‌گردید، تو و صفوان نشستی داشتند و در میان شما چنین

و جناب گشت.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

عمر چنانکه طبری می‌گفت: من گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا

او را به قبول حافظه.

﴿ه خلاق و ملیا

سیدون قادر نیازی



له کوتایی داده لین که پهنه کاریکاری کاریگر له سره پریزتیت بوسنی باری نه خلاقی
پلائقو، فرهنگی سیاسی ته و بست،
فرهنگی موسامونه خواز (مدارگر) و خاوهن
ته عاملو و به شدار له پرس کانی کزم لگا، که له
لایه کوهه دهه مهان به بنج داکنی، فرهنگی کی
تفقانیت و هیئت خواز و پوشک و بوگما تداوله
لایه کی ترمه و پسواره کانی له دایکم بوسنی
فرهنگی نوی و به زیرین و به روانه، که بیان
و پیدا و بوسنی ته نایبزد کانی جاماهه، گزرو
هه موکارا، که دهه دیجامه کاشن پشتکبری
کردنی جه ماوره له پلائقو و پنه و بوسنی
بنده هه نه خلاقیه کانی ته و پلائقو، که بعره
سنهه لکردنی هه رچه شنه بسزوونه و پیدا
پادیکالی متدیابیش دهگنی، له بر نهوده که
تنیهه لاوی کزم لگا له گله دباره و پرسنی
کشتن، له لایه کوهه و به هیئت ترین ثامیه بتوکننیل
و چاده بینی کردن له پایه کانی کزم لگا و له
لایه کی تریش و کار تامه دترین و باشترین
شنیواری پاراستن هنی کزم لگایه له برامه بر
قرنات و په روتانتی به ثامیزی بن کله و قلت و
پریکار.

بیرونی

زبایی

ناله سانی و هممو گله لانی
عیناً باق به گشتی و گهان کورد
بے تایید شی، ده گهان و
هیوادارین له سارده من سره روزگایه تیبه کی داده
ماهه رو واکانی گله کورد له کورستانی
عنراقدا که که متربیان چه سپاهانی فیدر الیزم
و گیرانهه که رکروک و ناوجه
تمعریب کراوه کان بتو کوردستانه، بسته بی و
هزاره چا اکسازی و بستیانشی بین بسن و
بسنایی نثار اذی و دیبلکراسی و مان مرؤٹ له
هممو عیناً قدا نادمه زنی.

له محمد قازی. دوکتور عبیدوللا
نه بیریشه‌ای. موهدندیس بهانه‌دین
فده. دوکتور جهانگیر لاله‌آمده.
عبدولحکیم مولووی. سلوهیمان
معنکوری. ناصر باهاشی. دوکتور
عوید رحمنی. دوکتور سلاح خدیوی
سواره فتوخوی. دوکتور ستار عازمیزی.
لیبراهیم مهرروضی. روحانیون
موحسین نیکخا. فرشاد شوشتری.
فرزاد حاجی هیرزابی. تادریس عالمی پور
سلیمان جهانگیری. باقی روشنمنی
شمیعه هارابیان. موحدزار ازاعی

متناهی نویسنده ای
براق و همانست از زندگانی و میراث
لعل باز پرسشی
هر چیز که می خواهد شادی به خش بپوشد
له همان کاتا دکه ته عبارت
رک و تنویری و توئایی مام جلال دوکا
در عیبیت و پردازی پترله هشتاد سال
باشی بزرگ ریخوارانه کورد له بشیک
شتمان که دادمه لعینی
نه و گله کی که سه دان هزار قوری بانی له
کای کمیشتن به ماله رهوانی خنیعا
شکش کرد و نه غفال و نه ایجهی تومان
لاوه و تعمیر که داگلایی کردن له تفالکران
بر کای اتنی سه درگاهه و نویسنده
تفالکرانون تیستن. له همان کاتیش داشته
المیاره. له نامست شیواز وله شاهزاده ریکی داد
سیزی گل انگلکاریه که سویتنه له پوزه هلات
و در استداده ثروتیست و مرده به خشنی
سازی بر تختیکی نوییه که تی داده سه لات به
نیزدهیه کی دیگرانش و بیهی سه نهانه نوییه
کمیتهه له به گذر، له نتوانان داده
کشی.

کوینگ نه موینن. — ق ویته ڈائش کرنا کارہ
دکانیں کوئوہ خانہ مہلویست بگون و نگاہربہ
ٹانواتوں مٹ بیٹی مکن، جی تر لہ همہ مریش و
ی بین پرانہ وہیان لاش کے مکاہی پسون دنگ
من.

سالانہ یہ سہ دن ملیون تھے ان حصہ قدہ مستی
کارہ کانی کوئوہ خانہ لہ لایہن مالیساۓ
اب کانی کوئوہ خانہ رہ نکلی لیندہ کری. مافیاۓ
اب کان شناخت کوئی بے پاسا نیوہ چلہ کانی
وہیں کاروش ناجیں.

پیغمبر می بینکاری و دادنی کردند که همه ای می خواستند
که کانی هایو به شی مالیاتی نه رباره کان و هم کردند
برهت و رنگخواره پیووندیداره کان پیشی بری
سترنی. سمش می خالی خلیم وای بتر داد جم
مسه رکردنی لاثنی که می کنیشه پیش ازه کانی
ره خانه له توانا و سه لاحبیه تی میراهه ای لتوان
ب بزوونه و هی ده روه سستی خوینده کاری کور داد

دک دیاره، گرینگترين چه مکان

و پیداگزی له سار ده خرد بدم به فیض
بیک ده لیل نیمه که پیشتبیته به روزریون پله هی
هم چخاده که لا یاهی همه به مرجه استهه
ههستی تو و یاساکله به که پیغمه دنیمه کن
و خوشی به زبان و پیشه هی تاک و پسنهه ده
که کاشی گزمه لگاوه همه داده ناندیه نه دم
که میتابی له فرزای هنری گزمه لگا و تاکدا
یه هست خوشی دمتوقن هم و دک گزینتیون و
درین شاگهوری نه خلاصه میندا
دو اندری هم و دیجیتهه رزی ماف ای پهوازی
بری گشتی گزمه لگا شبن که به گشت شم
ککه ره - منهخلق و ماف - یه گماوه

که بر بناغه پیشنبیریه کامی کومه لکاشن
پاس کردن له چه مکا کاشن له خلاق و
له چوارچوونه کس مندیا رسدا هملکری
ن دایقش راوی و نیبها مرن، به لام
نمکی نوره که پنه هزی نوره که
سرده کی سلاطیک و میندا پشکنیده و هی
گشتیه کامی کومه لکایه، به یاقینه وه
ن حسارتی خوله قدره دانی له خلاق و
هی هفیت و پاس و خواصیش له سر برکتی.
جهی له یوانکی هندی و شهینه وه ن خلاق

نکن، به لام کاری پرقدرت ام و این وک پیشنهاد می‌نماید. تقریباً که به شیوهٔ یهودی گفته شده بود. مارجی و کردن، ده تاوان ل ساخته بودند. پس از آنکه بیکن پرچه‌سته پیدا شد، و نگاهی داشتند. همان پرسه ده تاوان را چنانچه کردند و مکشتن ل هگل تقویم و بیوانه ستاباندارد و پرانلیکار او را کانسی پروریان نموده بودند. شیوهٔ یک به لام که بیکن پروره بود اینکه در آن دو چه مکن "خلاق و پذیرنامه اوانی" و همچنانکه پرقدرت ام و پذیرنامه اوانی به تاییه است. با خانه‌ده هگل هندستی چه مکنی پیغامبر از خانه‌ده نیز ایجاد کردند. وک تازاری، دیمکار کراسنی، حقیقت و دل و پاسخی، له تامول و همچنانکه وحدان، بیچ شیوهٔ یک تاوان خود ل ساخته بودند. همانکاری بکان و پیشنهاده بسازد و پرقدرت کانسی در ریاون. کوپندره لمن: "بانثه رنکی به هنرنمایش کشتن ل پشت پیکنکات و فرایانه دند. پس بکان دا پاره ستاوه، بناشمه که ل سر و فرقشنس داریکاره که شوینیتکی قوروس و لعل و میکانزمه بازاریه و دره گرفت که به مرغه روز و هنری کشتن کومه لکاشندا زال و ش خزی فاکنه رنکی جیدیه که هنرکاره کانسی از سروپی دو و پیش پرقدرت ام یا مینیا پیکنکینه راهمه ر بیلیکی کومه لکاده، که پیشنهادی تابعه و قازانجه تاکه که سبیله کانسی از این ل پشت بینی، به لام به روایتینکی

بیهقیه کانی کوماری

کوردستان و کومناری نازههربای یجان

رویارویی موبایل و مکالمه های نیازمندی را که در این دوران ممکن است اتفاق بگیرد، میتوان با توجه به این دو عوامل از آنها برخوردار شد. این دو عوامل عبارتند از:

لهوشن زیارت، حکومتی قازی به پیگاهی خود را
زمن میبین و دست نمذہیتا. موئیستادیو بشد
سوزه‌وی دستبه ریا و پیشنهاده کانس بر امامیه‌ی تاریخ
ده کاره موقت پیشان رایی پیش نارهولوکی تینانیمه
برهه‌نگ دو غیرهونی له برسی تسلیم کردند و هر چیز
یعنی کورده کانوه پیشنهاده کی حکومتی هستنا گویند
کیوهه پیشنهاده بتو ساتاوه‌لکی جویی
به ایزو (بری) بتو کوردستانی تیزان. به له برچاو
هاتشاری پیشنهادی حکومه‌تی نیویه‌لندی نهوده بتو هیچ که
پیش پیسد و باواره نهیو.

تاخته کهی، قسازی له وانه یه بیتی وا بوبویس
به ونه ندی لی بیزاره و پیسی لینه لگنکه تووه که له ن
له لوره رجینکندانه تاکنیک له که کلی بینهه ره دابهه و سازشتنک
ب سندی که هکل بسکا، قسازی محبه محمد شه گرچن له نا
هزونه متی هه بیوو، به لام بناخه دهسته آلتی خانه کاشیه
بازی که له پیشتوانی چه هکان، بالدهه، یان بیانووی همه
برهه شه شورهه وی ناجاریان گردیووه که هاوکاریان
اهوینید بیوو، پنهکه دیه مهبل بیوویت ب راهه ای خفری
چاره نویسنکی شه خرس گرمادی ته سلیم بسکا [او] دید
منه لکنیکی [او] سه کورتی، توله که لاله کردنش سیاس
هره وهی خفری دا حیساپی خواب در جه جوو، به لام له نزد
۹۴ اذیوار بیووا بگوشتن.

سهرهاتی لفاظ
نورچه تهی ده سب سه جن پیشنه که براشی زده
مانگی تو قمیری ۱۹۴۶ اما هات پیشنه، چه نیکی باشد
دستگرد بسوی میل چاهه روایان کورد، تا در رسای
منزه اینه کان، له راس تی دا توه مهادیه کن
پیللانه وه بیو، خانه کورده کان رنگیه له بویه زرمه
و به بر گرفت که له مانگی شرکتندی سویتندی دزی شو
بیو یونانه که سر خوار دیبو، بیت تهودی هیچ نعمان لا
بارو یونخه به قازانچ و به لای عاشیره کانی خ
دیکتیونه، تهوان بارده و دام بیوون له سه و شویون
تاران من تنگداری وله پاشمه عی حکومه عی همه های
همان کا اند، پیشه و هری، دهستی کرد وه یه و
تو بولایه له گهل تاران، پیش موهری له قیرقلیه
شورویه کان دا دستی کرد وه به سروکله لله تنان
تاران بین گویندنه قید و بعندی نهند اهانی کورد له ده
بر و توزیگاردا، ناکام شم و توزیگانه نهانه ت توزن
و توزنده کاوش مانگی یوزیهان به زهه رهی مهاباد
پیشه و هری با سندی کرد گونتریزی زهه دجان به ده
دینه گرانه کان به گلتنتریزی دو شارچکه کی کورد: سه
و نیکاب مگیرته وه، نه و توزیگانه به نههیتی بیوون و
به پیامن تاره قدمت بلوره که مگایه وه، جا بقیه، له وانهه د
له مهیلی دیمتکراشه کان میت تالار گلکی خاک و کوهش
تنگدار نه بیوسن، به گردپری تهوان تنگکاریان له وه نه
نه گهار باره بیان به بالوکراوهی نهوده همی رادیت و دینز ک
بنیهندی شنیه له گهل کورده کان هه تا بیلی باشد
نه مو جزله یارمه تبیه کیان بیده که بن وله —
به ده دام ده بین، بیاو له نتو گله (کا اشنان) دا و نتو
نتوانان بقدیم — بقدیم و تردد — بن، نهوش له س

تیکشانی فرقه که مان. له مانگی دیسامبر، ده بیرین و
نه بیتلر تاره زیویه گئی چاک زیارت نهیں شنیدند
نه گرجی قازان مهابیله نهوده بسی گف لد
نه ناهان شهربکا، پشتیتوانی عشیره تیمه هایاد
نه ده کرد. بین مهابیل نهوان بق اشیه دهست کردند و
ده رکاوتسو نه ناهان نه کاتانش که قازان له کزتابی
نه ظامیره دا کلپونه و دهیکه ریکخست بق شوه دهی
عه شیره ته کان هان بدابت باره تی کدن به ته زیری
پیشتره وی هیزند کاشی نهیزان به ره و زه دجان. نه موعله
نه گرت، به لام قازی و رهی باره نه دا دیسان نیکشا بق
عه شیره ته کان ته قزیه نه دو خاوتور دواتر شان بید
شهر گردن. نیکلان ده لی، نه جار تاری تویانی چندن
بکا بق تیمرا کردندی به یانیه یه که تی دا به لیتی پار
و خوکی اگری چه کدار له به راهیه ره نه شه شیان ها
به لام شه و کوشش نوشش دلواری و گرفت ها. به
سه ریکایه تیمه هایاد نه نیوان پشتیتوشی بق پار
مه هایاد کو کات و ده، چ ده کا به ته زیری چندیک له
نه که ره شه و ده ته شویق نه بیرون بق بره مکاری و خو
به لکور ناخنین ده رهه تیان قوسته وه بق پوهدنی ک
تارانه و. سین پوزه داوی کلپونه و ده نیمزای نه و به
پاس کرا (نه) به یانیه آی دیسامبری ۱۹۴۶ تیه
کوتسوول نه مریکا له توریزه له گوزارش خوی داده
نه دواوی لیکراوه به لینینگ دیکی همشیره تی به
ریلی گهینن و نویشنده نه مارخان داواوی لیکراوه و
حکومه تی نیوهدنی نه اوریزی گزنه وه نهوب
پین گهی بش و شه سارشان شه و هیشنی دره خادری له
نه ده کاره و ده کاره

